

# ادله فقهی منع به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای (با رویکرد حقوق بشردوستانه محیط زیست)\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۲/۱۱/۱۶

محمود یوسفوند\*\*

## چکیده

وجود جنگ‌افزارهای غیرمتعارف، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است، این تهدید شامل بشر و محیط زیست اوست. در صورت بروز مخاصمات، طرف‌های درگیر موظف به پاسداشت قواعدی هستند و نمی‌توانند هر نوع جنگ‌افزایی مانند سلاح‌های غیرمتعارف و هسته‌ای را علیه طرف مقابل به کارگیرند؛ زیرا سلاح‌های هسته‌ای با توجه به قدرت تخریبی زیاد و ویژگی‌های منحصر به فرد خود، باعث نقض قواعد حقوق بشردوستانه شده و محیط زیست انسان‌های موجود و نسل‌های آینده را نابود می‌کند. علی‌رغم ویرانگری این سلاح‌ها، حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای ساکت مانده است، اما از ادله معتبر فقهی فقه امامیه و تنقیح مناط و نظریه‌های فقهی، حرمت به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای به علت جلوگیری از تخریب محیط زیست قابل استنباط است.

واژگان کلیدی: فقه امامیه، سلاح‌های هسته‌ای، حقوق بشردوستانه، محیط زیست.

\* این مقاله تحت حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور می‌باشد.

\*\* استادیار جامعه‌المصطفی العالمية (mahmoudyousefvand@yahoo.com).

## مقدمه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه - که در فقه از «بشردوستانه» به «فی سبیل‌الله» تعبیر شده است - (حمیدالله، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸) یا حقوق مخاصمات (قربان‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۴۰)، از شاخه‌های حقوق بین‌الملل بوده (ساعد، ۱۳۸۶، ص ۲۵) و امروزه صرفاً مرادف با حقوق مخاصمات مسلحانه نیست؛ بلکه تحول و تکامل یافته‌تر شده است و از موضوع قربانیان مربوط به جنگ‌ها و اقدامات غیرقانونی در جنگ‌ها، به استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف و سلاح‌های کشتار جمعی، تخریب محیط زیست و ده‌ها مورد دیگر نیز تسری می‌یابد (فلک، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵)؛ زیرا حیات بشر به محیط زیستی سالم و مولد بستگی دارد و نابودی محیط زیست رابطه عمیقی با به خطر افتادن زندگی بشر دارد. از همین روست که در مقررات مربوط به حقوق بشردوستانه، تأمین حقوق محیط زیست نیز مورد تأکید واقع شده است (همان، صص ۵۲ و ۵۵) و دانشمندان را وادار به اعتراض به گسترش سلاح‌های هسته‌ای نموده است. برتراند راسل و آلبرت اینشتین از فعالان صلح‌طلب و حامیان خلع سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۵۵ اظهار داشتند: «ممکن است بمب‌های هیدروژنی نسل بشر را به نابودی بکشاند».\*

به‌کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف، مانند، هسته‌ای، به دلیل تجاوز به حقوق بشردوستانه محیط زیست، از منظر آموزه‌های اسلامی نیز از جهات گوناگون ممنوع است و این اصل اسلامی را می‌توان با تقریرهای متفاوتی به اثبات رساند. مقاله حاضر در صدد است، ادله فقهی حرمت به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای را از منظر فقه امامیه با رویکرد حقوق بشر دوستانه محیط زیست بررسی نماید.

\* بیانیه راسل - اینشتین یا مانیفست راسل - اینشتین، عنوان بیانیه‌ای است که در ۹ جولای ۱۹۵۵، توسط برتراند راسل، در روزگار جنگ سرد و در لندن انتشار یافت. پیش‌نویس این بیانیه که موضوع آن هشدار درباره خطرات حاصل از گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای جامعه بشری بود، به‌وسیله برتراند راسل تهیه شد و توسط یازده دانشمند از جمله اینشتین به امضا رسید. ماکس بورن، پرسی ویلیام بریجمن، آلبرت اینشتین، لنوپولد اینفلد، فردریک ژولیو کوری، هرمان مولر، لینوس پاولینگ، سیسل فرانک پاول، ژوزف رات بلات، برتراند راسل و هیدکی یوکاوا.

## ۱. ادله فقهی منع به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای

از جمله سلاح‌های هسته‌ای، بمب‌های هسته‌ای هستند که آثار تخریبی شدیدی بر محیط زیست دارند، این آثار از انفجار بمب‌های هسته‌ای به وجود می‌آید. منطقه انفجار بمب‌های هسته‌ای به پنج قسمت تقسیم می‌شود: الف) منطقه تبخیر، ب) منطقه تخریب کلی، ج) منطقه آسیب شدید گرمایی، د) منطقه آسیب شدید انفجاری، ه) منطقه آسیب شدید باد و آتش. در منطقه تبخیر درجه حرارتی معادل سیصد میلیون درجه سانتیگراد به وجود می‌آید و هر چیزی از فلز گرفته تا انسان و حیوان در این درجه حرارت قرار بگیرد، آتش نمی‌گیرد، بلکه بخار می‌شود. اثرات زیانبار این انفجار حتی تا شعاع پنجاه کیلومتری می‌رسد. اثرات تشعشعات زیانبار رادیواکتیو بمب‌های هسته‌ای تا سال‌های طولانی مانع ادامه حیات موجودات زنده در محل‌های نزدیک به انفجار می‌شود. رادیواکتیو اگر به بدن انسان برخورد کند زمینه را برای پیدایش انواع سرطان‌ها، سندرم‌ها و نقایص غیر قابل درمان دیگر فراهم می‌کند و این نقایص به نسل‌های آینده نیز منتقل خواهد شد. اثر زیانبار سلاح اتمی به قدرت تخریبی و کشتار انسانی آن منحصر نمی‌شود. این سلاح‌ها تقریباً همه چیز را ذوب می‌کند. برجای ماندن زمین سوخته و محیط آلوده به مواد هسته‌ای، تمام موجودات زنده و غیر زنده [خاک و هوا]، بخش وسیعی از منطقه مورد حمله را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب می‌شود تا صدها سال محیط زیست به شرایط اولیه باز نگردد (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲).

روشن است که در عصر پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، سمی از نوع امروزی آن و سلاح‌های هسته‌ای خبری نبوده است تا موضع شریعت اسلام در برابر به کارگیری آنها مشخص شود، لیکن نمونه‌های کوچک‌تری در آن زمان بوده است که از جهات مختلف مشابه سلاح‌های غیرمتعارف عصر حاضر است. لذا می‌توان حکم آنها را به سلاح‌های غیرمتعارف به ویژه سلاح‌های هسته‌ای عصر حاضر تعمیم داد. از جمله: ادله حرمت افساد در زمین، ادله حرمت مسموم کردن مناطق دشمن، ادله حرمت قطع و آتش زدن درختان و مزارع و خانه‌ها و... را، از مهم‌ترین مبانی احکام شرعی قرآن و سنت است که دیدگاه فقهای عظام در کیفیت تمسک به آیات و روایات در خصوص موضوع بررسی می‌شوند.

## ۱-۱. ادله منع فساد در زمین

مدعا این است که به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای باعث فساد زمین و افساد در زمین شده، آیه شریفه با پرداختن به «اهلاک حرث» (درختان و گیاهان) و نسل (انسان و حیوانات) علاوه بر تبیین اهمیت حقوق بشردوستانه و محیط زیست، هرگونه نابودی محیط زیست و نسل انسانی، چه از روی خصومت و جنگ و غیر آن را به عنوان فساد در زمین معرفی نموده و این عمل را مغضوب الهی اعلام کرده است. این امر طبق ماده ۱ کنوانسیون نسل‌کشی در سال ۱۹۴۸ انعکاس یافته است. ماده ۱ کنوانسیون به صراحت اعلام می‌دارد که «نسل‌کشی، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، از نظر حقوق بین‌الملل جرم است» (جفری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸).

در آیه شریفه چنین فرموده است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵). هنگامی که روی برمی‌گردانند [و از نزد تو خارج می‌شوند]، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند، با اینکه خدا فساد را دوست نمی‌دارد.

### ۱-۱-۱. بررسی تفسیری آیه

هلاک کردن حرث (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۹) و نسل (همان، ص ۴۸۳-۴۸۴) به معنی از میان‌بردن هرگونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی، یا حیوانی و انسانی (جمعی از نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۷۴) و (محمود، [بی‌تا]، ص ۴۱۴) / بُرْحَنِیْمَةَ هَلَاکَتِ رَا دَر خَشْکِ کَرْدَنِ وَا ز بَیْنِ بَرْدَنِ گِیَاهَانِ استعمال کرده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص ۵۰۳). در برخی از آیات قرآن کریم حیات در مقابل هلاک قرار گرفته است (اعراف: ۴۲) و هلاکت جمادات، (بلد: ۶) نباتات، (آل عمران: ۱۱۷) حیوانات و نسل هر حیوان (بقره: ۲۰۵) و انسان (اعراف: ۱۵۵) را شامل می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۱، ص ۲۷۱) «اهلاک حرث و نسل»، شامل تولید فساد در کره زمین در زمینه اموال و انسان‌ها می‌شود.

از ظاهر عبارت «وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» برمی‌آید که در مقام بیان جمله پیشین یعنی فساد در زمین است، و فساد در زمین به این است که حرث و نسل را نابود کند، و اگر

نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده، برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است و انسان در تأمین غذایش به حرث یعنی زراعت نیازمند است؛ چون غذای او یا حیوانی است و یا نباتی، و حیوان هم در زندگی و نموّش به نبات نیازمند است. پس حرث که همان نبات باشد، اصل در زندگی بشر است، و بدین جهت فساد در زمین را با اهلاک حرث و نسل بیان کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴) و این اثر نابودی گیاهان و موجودات زنده در به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای است؛ زیرا پرتوهای رادیواکتیو این سلاح‌ها از قابلیت ایجاد صدمه به محیط زیست حال و آینده، تغذیه و زیست‌بوم دریایی برخوردارند و می‌توانند علاوه بر کشتار انسان‌های موجود، سبب اختلال ژنتیکی و بیماری در نسل‌های آینده شوند. سلاح‌های هسته‌ای از قدرت تخریب و انهدام تمام تمدن و کل زیست‌بوم کره‌زمین برخوردارند (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۲۷۳).

روشن است مراد از فساد، فساد تکوینی نیست که مستند به فعل خدای تعالی است؛ بلکه مراد از این فساد، فسادهای متعلق به تشریح است، یعنی فسادهایی که به دست بشر پدید می‌آید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵) و از همین رو در این آیه شریفه به فعل انسان نسبت داده شده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱) و در روایت منقول از امام علی علیه السلام نیز نابودی زمین و نباتات و جانداران از روی ظلم [انسان‌ها] و سوء سرپرست [انسان] افساد می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۹).

## ۲-۱-۱. عدم تفاوت میان افساد در زمین و افساد زمین

افساد، ضدّ اصلاح است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۲، ص ۱۰۹) و ممکن است با آسیب رساندن، سوزاندن یا تلف کردن مال دیگری تحقق یابد و یا با انجام عملی در مال، که به سبب آن، مالک از تصرفات مطلوب در مال خود محروم می‌گردد و در این موارد موجب ضمان است.

گاهی افساد به شرایط و ارکان عمل عبادی مانند نماز و روزه، یا معاملی همچون بیع تعلق می‌گیرد که در این فرض افساد با ابطال یکی است و ممکن است، بر محاربه و سلب امنیت نیز اطلاق شود، بدین جهت به فرد محارب، مفسد فی الارض [افساد

کننده در زمین] گفته می‌شود (جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ص ۵۹۰) معنای اول و سوم از معانی فوق با مطالب مطرح شده در آیه سازگار است؛ زیرا در این آیه، اهلاک حرث و نسل به عنوان فساد در زمین معرفی شده است.

وجدان عرفی بر این معنا گواهی می‌دهد و ملاحظه موارد استعمال این ترکیب در دیگر آیات قرآن کریم هم، بر همین معنا تأکید می‌ورزد که اگر در زمین فسادی صورت گیرد، صلاحیت آن برای استقرار زندگی انسان از میان می‌رود. در بعضی از آیات، میان «افساد فی الارض» و «اصلاح الارض» مقابله صورت گرفته است (اعراف: ۵۶ و ۸۵) تقابل انداختن میان «افساد فی الارض» و «اصلاح الارض»، می‌رساند که مراد از «افساد در زمین» «افساد زمین» است یعنی نقطه مقابل اصلاح زمین، نه صرف معنای ظرفیت و اینکه زمین ظرف وقوع فساد است. از آیاتی (قصص: ۷۷ / ص: ۲۸ / مائده: ۳۲ / یوسف: ۷۳) که ترکیب «افساد فی الارض» در آن‌ها به کار رفته است، به دست می‌آید که فسادی که در این آیات لحاظ شده، فساد خاصی است که مقید است به قید «فی الارض» و معنای آن تباه کردن زمین است، از آن جهت که محل استقرار و سکونت انسان است، چنانکه جمله «و يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ» نیز همین معنا را می‌رساند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹، ص ۲۳۷-۲۳۸).

### ۳-۱-۱. موارد تمسک فقها امامیه به آیه شریفه در حقوق بشر دوستانه

فقه‌های شیعه در موارد متعددی به آیه شریفه تمسک جسته‌اند که در اینجا به مواردی که مربوط به موضوع مقاله است اشاره می‌شود و ارتباط استنباط‌های فقهیان با به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای ارزیابی می‌گردند.

آیت‌الله احمدی میانجی عدم رعایت حقوق بشر دوستانه در جنگ و عدم پایبندی به قواعد بشر دوستانه، خونریزی مردم، کشتن آنان و فرزندانش و فساد در زمین نابودی محصولات کشاورزی (احمدی میانجی، ۱۴۱۱، ص ۷۱).

آیت‌الله سید محمد حسینی شیرازی، حرمت خسارت به محیط زیست را حرث و نسل دانسته‌اند؛ در پاره‌ای از موارد برای محافظت از محیط زیست و ضرورت حفظ گیاهان

و عدم استفاده بیش از حد از ثروت طبیعت و زمین، از طریق چرای بیش از حد دام و تخریب جنگل‌ها که نگه‌دارنده زمین و حافظ پوشش سبز سطح زمین‌اند، و موجب تبدیل مراتع و مناطق کشاورزی به کویر و ایجاد گرد و غبار و آلودگی هوا از مواد خارجی ساخته دست بشر به آیه شریفه تمسک نموده‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۲۸) و باز ایشان به تعمیم آیه به حرمت انقراض حیوانات کمیاب، از این آیه جایز نبودن شکار بی‌رویه حیوانات و نابودکردن شکار حیوانات نادر به هر صورتی که اتفاق بیفتد فهمیده می‌شود (همان، ۱۴۲۰، ص ۲۲۹).

عده‌ای به عدم رعایت حقوق جنگ و قتل عام و از آتش سوزی‌های در جنگ جهانی دوم و ویرانی‌های به وجود آمده در این جنگ به آیه شریفه اشاره کرده‌اند (جمعی از مؤلفان، [بی‌تا]، ج ۳۷، ص ۹).

احصا آب، هوا، زمین و درختان به عنوان محیط زیست انسانی، در مطالب مورد استناد علما برای عدم هلاک حرث و نسل در موارد فوق و آنچه ذیلاً می‌آید زمین، هوا، آب، درختان و مزارع جزء محیط زیست انسانی به شمار آمده‌اند و گفته‌اند بخارهای موجود در زمین موجب ازدیاد آب‌های زمین شده، نبود آب، خشکی رودخانه‌ها و آب‌های روزمینی و زیرزمینی را به دنبال دارد و حال آن که: «مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٌّ» (انبیاء: ۳۰) و نابودی درختان و مرگ زمین و مزارع و هلاکت حرث و نسل را به دنبال داشته است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۶۵).

## ۱-۲. ممنوعیت قطع درختان در فقه

اگرچه ممنوعیت قطع درختان یکی از مصادیق حرث و نسل است و مورد تأکید کتب آسمانی قرار گرفته است (تورات، سفر تثیبه، فصل ۲۰، آیه ۱۹) لکن برخی از فقها آن را مستقلاً بررسی نموده‌اند که در این بخش بحث می‌شود.

### ۱-۲-۱. نظریه‌های فقهی در مورد قطع درختان در جنگ

درباره قطع درختان یا تخریب زیرساخت کشاورزی به غیر از استناد به آیه فوق، به مواردی اشاره کرده‌اند که جز در صورت ضرورت فزاینده جایز نمی‌داند. امام صادق علیه السلام

فرمود: پیامبر اکرم ﷺ وقتی در صدد بود گروهی را برای جنگ اعزام کند، آنان را در کنار خود می‌نشانند و به آنان می‌فرمود:

با نام خدا و برای رضای خدا و بر طبق روش رسول خدا حرکت کنید، غلّ و غش نکنید و مثله و غدر را پیشه کار خود نسازید و پیرمرد سالخورده و کودک و زن را مکشید و هیچ درختی را قطع نکنید، مگر اینکه مجبور به قطع آن شوید (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ص ۵۹).

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام، وصایای پیامبر اکرم ﷺ به جنگجویان مسلمان این‌گونه بیان شده است:

... و لاتحرقوا النخل و لاتغرقوه بالماء و لاتقطعوا شجرة مثمرة و لاتحرقوا زرعاً لانکم لاتدرون لعلکم تحتاجون الیه و لاتعقروا من البهائم مما یؤکل الاما لابد لکم من اكله: هیچ درخت خرمایی را آتش نزنید و آن را در آب غرق نکنید و هیچ درخت ثمردهی را قطع نکنید و هیچ زراعتی را آتش نزنید؛ زیرا شاید شما به آن نیازمند شوید و هیچ چهارپایی را که گوشت آن قابل خوردن باشد، از بین نبرید؛ مگر آنکه برای خوردن به آن نیاز داشته باشید (همان، ۱۴۰۹، ص ۵۹).

بنابراین، اسلام در کوران جنگ، حتی کشتن حیوانات را مگر برای ضرورت سد جوع، منع نموده است (محقق داماد، ۱۳۷۵، ص ۱۸).

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ که در کتاب سنن بیهقی نقل شده، بیان گردیده است: لاتهدموا بیتنا و لاتعقرن شجراً یمنعکم قتالاً او یحجز بینک و بین المشرکین: خانه‌ای را ویران نسازید و درختی را قطع نکنید، مگر درختی که شما را از جنگ باز دارد و یا بین شما و مشرکین (متجاوز) مانعی ایجاد کند (نوآوری، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹).

البته برخی از فقها نهی در متن روایت را بر کراهت حمل کرده‌اند نه حرمت (حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۳۶ / کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۵ / عاملی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۹۲).

## ۲-۲-۲. اجماع فقها در مورد قطع درختان در جنگ

آیت‌الله علوی گرگانی فتوای مقام معظم رهبری مبنی بر حرمت تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای را مورد اجماع مراجع تقلید عنوان کرده و فرموده‌اند: «این فتوا [نه تنها اجماعی است که] از ضروریات دین اسلام و مطابق با نص صریح قرآن است؛ و بیان



داشته: «به طور مسلم، استفاده از سلاح هسته‌ای در جنگ نیز حرام قطعی است؛ زیرا این سلاح عالم طبیعت را نیز دچار مشکل می‌کند و تا سال‌های سال و حتی در نسل‌های بعد آثار مخرب آن مشاهده می‌شود» (علوی گرگانی، ۱۳۹۱، ص ۲). به نظر می‌رسد ادعای اجماع مذکور مبتنی بر تنقیح مناط و نظریه‌های فقهی فقها باشد و گرنه چنانکه گذشت سلاح‌های هسته‌ای سابقه‌ای چند ده ساله بیشتر ندارد و نیز همه فقها در خصوص سلاح هسته‌ای اظهار نظر ننموده‌اند؛ با این حال اجماع فقها را می‌توان بر امور ذیل محقق دانست.

۱. اصل در حقوق بشردوستانه اسلام، ممنوعیت قطع درختان و تخریب بناهاست، مگر درختی که مانع پیروزی در جنگ شود، که از دیدگاه فقه اسلام بریدنش جایز است (حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۳) به دلیل همان روایت مأثور از پیامبر اسلام ﷺ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ص ۵۸).

۲. سخنان فقهای عظام در زمینه امکان قطع درختان و تخریب بناها، محدود به ضروریات جنگی می‌شود و تصور اینکه منظور آنان جواز در اصل تخریب، بدون هیچ دلیل یا ضرورتی باشد، به دور از واقعیات است (ابواتله، ۱۴۱۱، ص ۱۸۷) جالب اینکه حتی اصحاب رسول اکرم ﷺ نیز همین شیوه را برگزیدند و به یاران خود توصیه می‌فرمودند که از ضرر رساندن به محیط زیست و حیوانات جداً خودداری کنند. خلیفه اوّل در سفارش خود به *اسامقین زید* می‌گوید: «... و هیچ درختی را قطع نکنید و یا آتش نزنید و هیچ درخت ثمردهی را از جا نکنید و هیچ گوسفند و یا گاو یا شتری را مگر برای خوردن ذبح نکنید...» (علی منصور، ۱۹۷۱، ص ۳۰۴).

### ۳. حرمت مسموم کردن محیط زیست دشمن

یکی از روش‌هایی که در طول تاریخ، برای غلبه بر دشمن به کار گرفته شده، استفاده از سم و سلاح‌های سمی بوده؛ به همین دلیل یکی از دغدغه‌های بشر بوده است. این امر باعث شده در مقررات بین‌المللی، استفاده از سم یا سلاح‌های سمی ممنوع شود (ماده ۲۳، بخش a مقررات لاهه). ممنوعیت سم اشاره شده در ماده مذکور احتمالاً قدیمی‌ترین ممنوعیت استفاده از ابزارهای جنگی در حقوق بین‌الملل است. از آنجایی

که در اواخر قرون وسطا استفاده از سم معمولاً به طور محدود ممنوع نشده بود. با وضع بند الف ماده ۲۳ مقررات لاهه، چنین ممنوعیتی قطعی در قالب یک تعهد نوین بین‌المللی به وجود آمد. امروز بدون هیچ شک و تردیدی ممنوعیت استفاده از سم به عنوان ابزار جنگی، کماکان نافذ و جاری است (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱).

در کنفرانس ۱۸۷۴ بروکسل که در اعلامیه نهایی آن، استفاده از سم و سلاح‌های سمی به شکل کلی ممنوع گردید، در (پروتکل ژنو ۱۹۲۵) استفاده از گازهای خفه‌کننده و سمی و یا سایر گازها در جنگ و استفاده از روش‌های باکتریولوژیک در جنگ ممنوع شد.

از آنجا که مسموم کردن مناطق مسکونی و محیط زیست نیز با سلاح‌های هسته‌ای مشابهت دارد، بحث بیشتری به آن اختصاص داده می‌شود.

### ۳-۱. روایات وارد شده در مورد مسموم کردن محیط زیست دشمن

در متون دینی از رسول خدا ﷺ، روایتی به این نص وارد شده است: «عن سکونی، عن جعفر عن ابیه عن علیؑ، ان النبیؐ نهی ان یلقى السم فی بلاد المشرکین»: رسول خدا از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی فرموده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۴۳).  
پیش از پرداختن به دیدگاه فقها و موارد تمسک آنان به روایت مذکور، ابتدا روایت از لحاظ سندی و آنگاه از لحاظ دلالتی بررسی می‌شود.

#### ۳-۱-۱. بررسی سند روایت

روایت فوق، اگرچه از آن به معتبره سکونی تعبیر شده، اما بسیاری از فقهای قدیم و معاصر طبق آن فتوا داده‌اند. بنابراین، از منظر فقیهانی که عمل مشهور را جابر ضعف سند میدانند، مشهور فقها طبق آن فتوا داده‌اند و ضعف سند آن با عمل مشهور جبران می‌شود، مرحوم آیت‌الله خوئی که با رویکرد خود به سخت‌گیری در سند روایات شهرت دارند و عمل مشهور را جابر ضعف سند نمی‌دانند نیز طبق آن فتوا داده است (خوئی، ۱۴۱۰، ص ۳۶۸).

مرحوم صاحب جواهر، در مقام اشکال بر فقیهانی که سند روایت را ضعیف دانسته‌اند، می‌فرماید: روایت سکونی از نظر علم رجال مورد قبول است و بر عمل طبق

روایات سکونی اجماع وجود دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۶۸). پس سند روایت تمام است. بنابراین در مورد بحث از سند بسنده می‌شود.

### ۲-۱-۳. بررسی دلالت روایت

از نظر دلالتی، فقها دارای فتاوی متعددی هستند و همه فتواها مستند به این روایت‌اند. بعضی فتوای به کراهت داده‌اند (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷). صاحب جواهر علت این امر را قصور و نقص سند روایت دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۶۸) که بحث آن گذشت و اکثر فقها اعم از فقهای متقدم، متأخرین و معاصرین آن را حمل بر حرمت و منع نموده‌اند و با عبارت «لایجوز» (حلی، ۱۴۱۰، ص ۸) و «یحرم» (حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۳) و «منع» (حلی (علامه)، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۶۹) فتوای به حرمت داده‌اند.

پس از پذیرش حرمت در روایات، منع و نهی در این روایات هرچند در مورد سم وارد شده است؛ لکن ملاک نهی، اختصاص به سم ندارد؛ بلکه می‌توان به تنقیح مناط آن را شامل هرگونه سلاح‌های کشتار جمعی دانست؛ زیرا فرقی میان مسموم کردن آب و یا هوا و یا زمین با استفاده از دیگر سلاح‌های غیرمتعارف نیست؛ بلکه استفاده از دیگر سلاح‌های غیرمتعارف به مراتب هولناک‌تر است. بنابراین، اگر در لسان مبارک رسول خدا ﷺ کلمه سم آمده است، عنوان سم موضوعیت ندارد؛ بلکه اشاره به هرگونه سلاحی است که سبب کشتار افراد بی‌گناه در خارج از مناطق جنگی است، اعم از انسان‌ها، حیوانات، و یا آسیب به مزارع و محیط زیست.

بر این مدعا می‌توان قراین و شواهدی نیز اقامه کرد، اولاً، اولویت قطعی؛ بر فرض استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد، استفاده از سلاح هسته‌ای که منطقه گسترده‌تری را ویران می‌کند به طریق اولی حرام است. در کتب تدوین یافته جدید این موضوع اشاره شده است که به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای با قدرت انفجاری پایین نیز با اصل احترام به حقوق بشر بین‌المللی را سازگار نمی‌دانند (جفری، ۱۳۸۸، ص ۲۶۴)؛ ثانیاً، اطلاق در خود روایت که در آن نامی از آب و یا زمین و یا هوا و محیط زیست برده نشده است؛ بلکه حضرت به

صورت مطلق فرموده است: «پاشیدن سم در سرزمین مشرکان [دشمن] ممنوع است». برخی آن را شامل ابزارهای مسموم کننده زمین، هوا، آب و... (محیط زیست انسان‌ها) دانسته‌اند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۴۵). ثالثاً، از آیات و روایاتی که مورد بحث قرار گرفتند و ذکر می‌شوند، از جمله آیه حرمت افساد فی الارض (بقره: ۲۰۵) و آیه اعتدا، (بقره: ۱۹۴) که گسترش دادن جنگ را به غیرنظامیان ممنوع می‌کند، فرقی نمی‌کند این کار با مسموم کردن مناطق باشد یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و غیرمتعارف (رحمانی، ۱۳۸۹، ص ۴۰).

نتیجه اینکه، اطلاق معتبره و همانند آن، بر حرمت استفاده از سم در مناطق جنگی دلالت دارد. از طرفی سم خصوصیتی ندارد لذا می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و آن را به سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح‌های هسته‌ای تعمیم داد.

### ۳-۲. دیدگاه فقیهان شیعه در مورد ریختن سم بر محیط زیست دشمن

پس از یادآوری تعدد فتوای فقیهان شیعه، پیرامون ریختن سم بر محیط زیست کفار، مجدداً متذکر می‌شود در میان فقها امامیه در این خصوص چند نظریه وجود دارد.

بنابر قول گروهی، حرام است (حلبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۰۱ / حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۰ / کیدری، ۱۴۱۶، ص ۱۸۹). برخی، آن را مکروه دانسته‌اند (حلی (علامه)، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۷۰ / عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰، ص ۸۲). برخی، حرمت یا کراهت را در فرضی دانسته‌اند که پیروزی بر کفار بدون آن ممکن باشد، وگرنه در صورت توقف پیروزی بر آن، حرمت یا کراهت منتفی است (حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۳۶ / کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۵ / عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۹۲ / خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۲).

لیکن برخی در جواز ریختن سم بر محیط زیست کفار، حتی در صورت توقف پیروزی بر آن اشکال کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۶۷)، البته برخی ریختن سم برای کشتن جنگجویان کافر را در جبهه جنگ جایز دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۳).

بر اساس همین روایت و روایات مشابه آن که در سخنانان ائمه علیهم‌السلام آمده است، غالب فقها پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته‌اند. برای نمونه به

مواردی از دیدگاه‌های قائلین به حرمت بسط داده می‌شود.

شیخ طوسی در کتاب *النهاية* می‌نویسد: «فانه لا يجوز أن يلقى في بلادهم السم» (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۳) مسلماً جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود.

*ابن‌دریس* می‌فرماید: کشتن کفار به انواع نوع قتل و اسباب قتل جایز است جز تیر اندازی با آتش و پاشیدن سم در سرزمین آنها «فانه لا يجوز أن يلقى السم في بلادهم» (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷).

و *ابن‌زهره* همانند شیخ طوسی فتوای به حرمت پاشیدن سم در سرزمین کفار داده است (حلبی، ۱۴۱۷، ص ۲۰۱).

و محقق کرکی پاشیدن سم را حرام دانسته مگر اینکه پیروزی بدون آن ممکن نباشد (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۵).

شهید اول نیز فرموده: «ولا يجوز القاء السم على الأصح» (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰، ص ۸۲)، شهید ثانی در کتاب *مسالك*، پاشیدن سم را برای قتل نفس محترمه حرام دانسته است (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۴).

علامه حلی در ارشاد، جنگ با سم را حرام اعلام کرده و لکن در صورت اضطرار جایز دانسته است (حلی (علامه)، ۱۴۱۰، ص ۳۴۴).

صاحب جواهر در ذیل کلام محقق حلی که فرموده است: «يحرم القاء السم»، و قول به حرمت را به بسیاری از فقها از جمله شیخ در *نهاية* و *ابن زهره* در *غنية النزوع* و *ابن‌دریس* در *سرائر* و علامه در *مختصر النافع* و تبصره و ارشاد و شهید اول در *دروس* و محقق ثانی در *جامع المقاصد* که در مطالب فوق ذکر گردید، نسبت می‌دهد و آن را به *ابن‌نبوی* مستند می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۶۷). سپس می‌گوید *ابن‌دریس* منع و حرمت مسموم کردن بلاد را اختیار نموده و حکم مذکور را مستند به این خبر دانسته است. بعد از آن از عده‌ای علما از جمله علامه و شهید در *لمعه* و شهید ثانی نام می‌برد که بر اساس این روایت فتوا به کراهت داده‌اند نه حرمت. ایشان در مقام بیان دلیل کراهت از سوی این فقها می‌فرماید: آنان سند این حدیث را به جهت وجود سکونی ضعیف دانسته‌اند. در این مورد قبلاً بحث شد. بنابراین، فتوا به کراهت صحیح نیست، بلکه حکم مسئله همان حرمت است.

سپس ایشان بحث دیگری را مطرح می‌کند مبنی بر اینکه، عده‌ای از فقها فرموده‌اند، مسموم کردن بلاد حرام است، در صورتی که موجب قتل غیر نظامیان گردد، و اگر تنها موجب نابودی دشمن در صحنه جنگ شود حرام نیست؛ چون پیروزی بر آن متوقف است.

ایشان در مقام اشکال بر این نظریه و اثبات اینکه مسموم کردن بلاد برای کشتن دشمن جایز نیست، حتی اگر تنها راه پیروزی متوقف بر آن باشد می‌فرماید: «چنانکه گذشت روایت اطلاق دارد و حتی در صورت توقف پیروزی بر مسموم کردن بلاد، دال بر حرمت است. بنابراین، کشتن دشمن حتی در صحنه جنگ، هرچند تنها راه پیروزی مسموم کردن منطقه جنگی باشد، جایز نیست» (همان، ص ۶۸).

فقهای معاصر نیز در استفتائاتی\* که از آنها شده است، به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای را حرام دانسته‌اند و مقام معظم رهبری حتی داشتن سلاح هسته‌ای را از لحاظ نظری و فقهی، گناه بزرگ دانسته‌اند (خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، ۱۳۹۰).

بنابراین، بر اساس این روایت معتبره و فتوای فقهای گذشته و فتاوی مراجع معاصر، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای حرام است؛ چون مصداق مسموم کردن مناطق جنگی است.

#### ۴. ادله منع به کارگیری سلاح‌های آتش‌زا

از جمله مواردی که در روایات، منع و نکوهش شده، استفاده از سلاح‌های آتش‌زاست. این‌گونه روایات نیز می‌تواند دلیل بر حرمت استفاده از جنگ افزارهای هسته‌ای باشد، زیرا مصادیق این‌گونه سلاح‌ها در عصر رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم‌السلام بسیار ابتدایی بوده است، ولی مصداق آن در عصر حاضر، پیشرفته و دارای قدرت تخریب و آتش‌سوزی گسترده است، بنابراین، روایت شامل هرگونه وسیله آتش‌زا می‌شود؛ زیرا از آثار سلاح‌های هسته‌ای اثر انفجار بمب و ایجاد پدیده‌ای به نام طوفان آتش است که در آن گرمای آتش بادهایی سوزان با سرعت ۸۰ تا ۱۶۰ کیلومتر در ساعت را به وجود

\* آیت‌الله حسین‌علی منتظری نیز، در پاسخ استفتاء به عمل آمده از وی، استفاده از بمب اتمی را ممنوع دانسته‌اند.

می‌آورد (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۲۷۳) بنابراین به همان تقریبی که در مبحث پاشیدن سم بیان شد در اینجا می‌توان استدلال نمود.

#### ۴-۱. روایات وارد شده در مورد سلاح‌های آتش‌زا

در خصوص منع استفاده از تسلیحات آتش‌زا در جنگ روایاتی رسیده است، از جمله:  
۱. «عن ابی عبدالله علیه السلام قال أن النبی صلی الله علیه و آله کان اذا بعث امیراً له علی سریة امره بتقوی الله عز وجل... ولا تحرقوا النخل ولا تغرقوا بالماء ولا تقطعوا شجرة مثمر ولا تحرقوا زرعاً» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۲۹). از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که تصمیم به اعزام سریه‌ای می‌گرفت و فرمانده‌ای را انتخاب می‌کرد، آنها را بر پرهیزگاری امر می‌کرد و می‌فرمود: نخلی را آتش نزنید و به وسیله آب غرق نکنید. درخت ثمردهی را قطع ننمایید و زراعتی را آتش نزنید.

۲. حدثنا أبو معاوية عن الشیبانی عن الحسن بن سعد عن عبد الرحمن بن عبدالله بن مسعود عن أبيه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: لا تعذبوا بالنار فإنه لا يعذب بالنار إلا رهبا (ابن ابی شیبیه أبوبکر، ۱۴۰۹، ص ۶۵۸) با آتش عذاب نکنید؛ زیرا فقط مالک آتش (خداوند) می‌تواند با آتش عذاب کند.

#### ۴-۲. نظر فقها در مورد سلاح‌های آتش‌زا

بسیاری از فقهای جهان اسلام به استفاده از سلاح‌های آتش‌زا (منجنیق، تیرهای کمان آتشی) بر اساس این‌گونه روایات تصریح کرده‌اند، استفاده از سلاح‌های آتش‌زا در میدان جنگ حرام است.

ابتدا دیدگاه‌های مختلف فقهای عظام شیعه یادآوری شده، آنگاه، فتوای گروهی از فقهای که به حرمت فتوا داده‌اند ذکر می‌شود. سلاح‌های هسته‌ای نیز به نوعی آتش‌زا هستند و از این رو مشمول این نظریات فقهی خواهند بود.

پس از غلبه بر دشمن، سوزاندن وی جایز نیست؛ اما پیش از چیره‌شدن بر دشمن، اگر بدون آتش‌زدن، امکان پیروزی وجود داشته باشد، گروهی از فقهای امامیه تصریح به کراهت این کار نموده‌اند؛ (حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۳ / حلی، ۱۴۰۵،

ص ۲۳۶ / حلی (علامه)، ۱۴۱۳، ص ۴۸۶ / عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷، ص ۳۲).  
 برخی از آنان به عدم جواز فتوا داده‌اند (حلی، ۱۴۱۰، ص ۷)؛ لکن بر فرض اضطرار  
 و این که پیروزی متوقف بر احراق باشد، نه تنها جایز است که کراهت هم ندارد  
 (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۱ / حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۱۲ / حلی، ۱۴۰۵، ص ۲۳۶ /  
 طباطبایی، ۱۴۱۸، ص ۵۰۲) و برخی نیز به وجوب آن تصریح نموده‌اند (عاملی  
 (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، ص ۳۹۲) و همین کلام در خصوص آتش زدن زراعت کشاورزی و  
 درختان نیز جاری است.

شیخ طوسی فرمودند: جنگیدن با هر نوع وسیله جنگی جایز است، اما مسموم کردن  
 سرزمین دشمن حرام است و هرگاه دشمن در منطقه‌ای مقابل مسلمین مقاومت کند،  
 سربازان مسلمان حق دارند با منجنیق و آتش و هر وسیله‌ای که پیروزی مسلمانان را به  
 دنبال داشته باشد حتی اگر گروهی از مسلمانان نیز در میان آنان باشند به آنان حمله‌ور  
 شوند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۳).

مرحوم صاحب سرایر، مطالب شیخ طوسی را تکرار کرده و اضافه نموده اگر غلبه بر  
 دشمن مترتب بر تخریب منازل، و قلاع و قطع درختان میوه باشد جایز است و به سیره  
 پیامبر ﷺ در مورد طائف، بنی نضیر و خیبر اشاره نموده که آتش زد و خانه‌هایشان را  
 تخریب کرد (حلی، ۱۴۱۰، ص ۷-۸).

مرحوم محقق حلی، جنگ با دشمن را با محاصره کردن و جلوگیری از ورود و  
 خروج آنان و استفاده از منجنیق و منهدم کردن دژ و خانه‌های آنان و هرچه که پیروزی  
 بر دشمن متوقف بر آن باشد را جایز دانسته، اما قطع درختان، تیر آتشی را پرتاب کردن  
 و تسلط بر آب‌ها را مکروه دانسته‌اند، مگر به امید پیروزی و در صورت ضرورت که  
 جایز است (حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۲) و صاحب ریاض، عین مطالب  
 فوق را بیان نموده لکن کراهت مورد فتوای مرحوم محقق را قائل نیستند و قائل به  
 جواز شده‌اند: (طباطبایی، ۱۴۱۸، ص ۵۰۲).

فقهای عظام ذیل قائل به حرمتند. الف) از ظاهر جواهر الکلام استفاده می‌شود  
 به کارگیری هر نوع سلاح آتش‌زا حرام است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۶۶). ب) محقق  
 ثانی نیز استفاده از سلاح‌های آتش‌زا و سوزاندن درختان، محصولات کشاورزی،



حیوانات و انسان‌های بی‌گناه را در صحنه جنگ حرام دانسته است (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۵). (ج/بن‌ادریس، از فقهای است که تصریح کرده است مقابله با دشمن با سلاح‌های آتش‌زا جایز نیست. وی می‌نویسد: «و يجوز قتال الكفار بسائر أنواع القتل و أسبابه، إلا بتغريق المساکن، و رميهم بالنيران» (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷).

از آنچه گذشت چنین نتیجه گرفته می‌شود که بحث مذکور اختصاص به آتش سوزی ندارد و شامل پرتاب آتش با منجنیق و تخریب منازل و قطع درختان و امثال اینها می‌باشد (جمعی از پژوهشگران؛ زیر نظر سید محمود، هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ هـ ق، ۲۱۶)، در نتیجه، بر اساس روایات و فتوای فقها می‌توان نتیجه گرفت استفاده از تسلیحات هسته‌ای در جنگ حرام است؛ چون مصداق سلاح‌های آتش‌زاست.

## نتیجه

از مجموع مطالب مطرح شده در این مقاله نتایج ذیل حاصل می‌شود: به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای که موجب تخریب گسترده، همیشگی و عمده محیط زیست می‌شود، ممنوع است، این ممنوعیت عرفی ادعا شده در مورد استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، بیشتر یک امر مطلوب است که در تئوری حقوق طبیعی و فلسفه اخلاقی یافت می‌شود. تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای بر خلاف قواعد عام حقوق بین‌الملل و اصول حقوق بشردوستانه است. کتب آسمانی هم دربردارنده قواعدی در مورد جنگ‌ها هستند. در قرآن مجید بر رعایت اصول انسانی در هدایت و اداره جنگ‌ها تأکید شده است. همچنین در احادیث و روایات اسلامی نمونه‌هایی از قواعد بشردوستانه حقوقی به چشم می‌خورد. همین آیات و روایات می‌توانند مبنای حرمت و ممنوعیت به‌کارگیری سلاح هسته‌ای، علیه محیط زیست بشردوستانه قرار گیرند و نیز از فتاوایی که تحت عنوان حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی مشرکان و حرمت به‌کارگیری ابزارهای آتش‌زا و حرمت تجاوز از سلاح‌های متعارف در جنگ صورت گرفت، به این نتیجه می‌رسیم که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در انواع مختلف آن، از نظر فقه اسلامی و به ویژه مذهب جعفری اثنا عشری ع حرام است.

## منابع

- \* قرآن کریم.
- \*\* تورات.
۱. ابن ابی شیبہ أبوبکر، عبدالله بن محمد؛ المصنف؛ تحقیق و تعلیق سعید اللحام؛ ج ۷، چ ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
  ۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۱۰، چ ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر، ۱۴۱۴ق.
  ۳. ابواتله، خدیجه؛ الاسلام و العلاقات الدولية- فی السلم والحرب؛ القاہرہ: دارالمعارف، ۱۹۸۳م.
  ۴. احمدی میانجی، علی؛ الأسیر فی الإسلام؛ چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۱ق.
  ۵. جفری، رابرتسون؛ جنایات علیه بشریت؛ ترجمه گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۲، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸.
  ۶. جمعی از پژوهشگران، زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی؛ الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)؛ ج ۶، چ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۳ق.
  ۷. —؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)؛ ج ۱، چ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۶ق.
  ۸. جمعی از مؤلفان؛ مجلة فقه أهل البيت (ع) (بالعربیة)، ج ۳۷، چ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، [بی تا].
  ۹. جمعی از نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲، چ ۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

۱۰. طباطبایی، سیدعلی بن محمد؛ ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل (ط- الحدیثه)؛ تحقیق محمد بهرهمند - محسن قدیری - کریم انصاری - علی مروارید، ج ۷، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه؛ تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۲. حسینی شیرازی، سید صادق؛ التعليقات على شرائع الإسلام؛ ج ۱، چ ۶، قم: انتشارات استقلال، ۱۴۲۵ق.
۱۳. حسینی شیرازی، سید محمد؛ الفقه البيئة، چ ۱، بیروت: مؤسسة الوعي الإسلامي، ۱۴۲۰ق.
۱۴. حلبی، ابن زهره حمزة بن علی حسینی؛ غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع؛ چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷ق.
۱۵. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ تذکرة الفقهاء؛ تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، چ ۹، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۱۶. —؛ قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام؛ تحقیق گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی؛ چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۷. —؛ إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان؛ تحقیق فارس حسون؛ ج ۱، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۱۸. حلّی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ محقق عبدالحسین محمد علی بقال؛ ج ۱، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۱۹. حلّی، ابن ادريس محمد بن منصور بن احمد؛ السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى؛ چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۲۰. حلّی، یحیی بن سعید؛ الجامع للشرائع؛ تحقیق جمعی از محققین تحت إشراف شیخ جعفر سبحانی؛ چ ۱، قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۲۱. حمیدالله، محمد؛ سلوک بین المللی دولت اسلامی؛ ترجمه و تحقیق

- سیدمصطفی محقق داماد؛ چ ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)؛ حرمت تولید سلاح هسته‌ای؛ روزنامه جام جم، شماره ۳۳۵۵، تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۴.
۲۳. خویی، سیدابوالقاسم؛ منهاج الصالحین؛ ج ۱، چ ۲۸، قم: مدینه العلم، ذی‌الحجّة- ۱۴۱۰ق.
۲۴. رحمانی، محمد؛ «منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از نگاه مذاهب»؛ فصلنامه طلوع نور، شماره ۳۳، پاییز، سال نهم، ۱۳۸۹، ص ۳۵-۶۰.
۲۵. ساعد، نادر؛ حقوق بشردوستانه و سلاح‌های هسته‌ای؛ چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۶.
۲۶. —؛ حقوق بین‌الملل و نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای؛ چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۴.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی؛ ج ۲، چ ۳۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۸. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ ج ۲، چ ۳، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۲۹. طوسی، ابوجعفر محمدبن‌الحسن؛ تهذیب الاحکام؛ چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۰. —؛ المبسوط فی فقه الإمامیه؛ ج ۲، چ ۳، تهران: المكتبة- المرتضویة- لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.
۳۱. —؛ النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ چ ۲، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
۳۲. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن‌علی؛ مسالک الأنفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام؛ تحقیق گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی؛ چ ۱، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۳. —؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، تحقیق سیدمحمد کلانتر؛ ج ۲، چ ۱، قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۴۱۰ق.

۳۴. عاملی، محمدبن مکی (شهید اول)؛ الدروس الشرعية- فی فقه الإمامیة- ج ۲، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۵. —؛ اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة؛ تحقیق محمدتقی مروارید - علی اصغر مروارید؛ چ ۱، بیروت: دارالتراث - الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.
۳۶. علوی گرگانی، سیدمحمدعلی؛ حرمت تولید و استفاده از بمب اتم؛ روزنامه رسالت، شماره ۷۵۶۵، تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۵.
۳۷. علی منصور، علی؛ الشریعة الاسلامیة والقانون الدولي العام؛ القاهرة: مطابع اهرام التجاریة، ۱۹۷۱م.
۳۸. فلیک، دیترو و دیگران؛ حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، گروه مترجمین با ویرایش سیدقاسم زمانی و نادر ساعد؛ چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷.
۳۹. قربان‌نیا، ناصر؛ حقوق بشر و حقوق بشردوستانه؛ چ ۱، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۴۰. کرکی، علی‌بن حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۳، چ ۲، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
۴۱. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب؛ کافی (ط - الإسلامیة)، ج ۸، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۴۲. کیدری، قطب‌الدین محمدبن حسین؛ إصباح الشیعة بمصباح الشریعة تحقیق ابراهیم بهادری مراغی؛ چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۶ق.
۴۳. محقق داماد، سیدمصطفی؛ «تدوین حقوق بشردوستانه بین المللی و مفهوم اسلامی آن»؛ مجله تحقیقات حقوقی؛ شماره ۱۸، تابستان و زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۴۷-۲۱۰.
۴۴. محمود، عبدالرحمان؛ معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة؛ ج ۳، [بی‌جا]، [بی‌تا].
۴۵. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۴ و ۱۱ و ۱۲، چ ۱، تهران: مرکز کتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق.
۴۶. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ تحقیق عباس قوچانی

۴۷. و علی آخوندی؛ ج ۲۱، چ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۴۸. نواوی، عبدالخالق؛ العلاقات الدولية والنظم القضائیه فی الشریعة- الاسلامیة؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۹۴ق.
۴۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ بایسته های فقه جزا؛ چ ۱، تهران: نشر میزان - نشر دادگستر، ۱۴۱۹ق.

<http://www.sedayeshia.com/showdata.aspx?dataid=2365>